



عربستان با برگزاری کنگره «هم‌افزایی مراجع دینی عراقی» و مشارکت افراد گمنام تحت‌عنوان مرجع به‌دنبال فتنه‌انگیزی در عراق است

# «مرجعیت‌سازی»: تاکتیک قدیمی سعودی

شیعی جایگزین» به مردم معرفی می‌کنند. «به نظر می‌رسد این همان کاری است که به‌وسیله کنگره مکه درصد انجامش هستند و البته با واکنش‌های قاطع مواجه شد. این اندیشمند در اقدامی جالب طی یک نامه به رئیس اوقاف شیعیان عراق، پیشنهاد می‌دهد که کنفرانسی برای مراجع سعودی در نجف برپا شود! در مقدمه این نامه آمده است: «برمنبای آگاهی شما از ضرورت و مسؤلیت ایجاد صلح اعتقادی در پادشاهی دوست-عربستان سعودی- و حفاظت از پیروان فرقه‌های اسلامی در مقابل فتوهای تکفیری [که هنوز توسط موسسه رسمی مذهبی وهابی سعودی پس از گذشت سه قرن تاکنون، به‌ویژه علیه مذهب شیعه صادر می‌شوند] ما پیشنهاد می‌کنیم که ابتکار عملی را جهت برگزاری کنفرانسی متشکل از مراجع عربستان سعودی در نجف بر ریاست خود داشته باشید!»

دکتر جمعه العلوطنی، رئیس مرکز مطالعات و تحقیقات سیاسی افق در بغداد از دیگر افرادی بود که نسبت به این کنگره واکنش قابل توجهی داشت. وی در بیانیه‌ای رسمی می‌گوید: «آنچه به‌طور خاص من را نگران می‌کند این نکته است که افراد حاضر در آن کنگره، خود را به‌عنوان «مرجع» پذیرفته‌اند؛ کسانی که در مراکز و حوزه‌های متوسط نجف حائز مرتبه اجتهاد هم نشده‌اند! پذیرش چنین افرادی به‌عنوان «مراجع تشیع» نشان‌دهنده بالاترین سطوح دروغ‌گویی، جعل و فریب کاری است.»

او ادامه می‌دهد: «نکته شگفت‌انگیز دیگر این است که این افراد، در کشور حامی تروریسم، رژیم افراط‌گرای سیاسی و نظام اطلاعاتی‌ای جمع شده‌اند که علیه کشور ما توطئه کرده و با فتاوا و پول از تروریست‌ها حمایت می‌کنند. در جریان تروریسم، رجال مذهبی سعودی (هاوایی‌ها) برای شیعیان عراق، آرزوی مرگ کرده و داعشی‌ها را شهید می‌نامیدند. سرویس اطلاعاتی سابق عربستان به ریاست بندر بن سلطان، عراقی‌های شیعه را به نابودی و مرگ تهدید می‌کرد؛ و حالا کسانی که خود را مراجع می‌نامند، در زیر پرچم دولت فتنه و کفار [سعودی‌ها] گرد هم آمده‌اند.»

براساس این مشاهده می‌کنیم که دعوت‌شدگان سعودی، حائز هیچ جایگاه اجتماعی و مقبولیت مذهبی‌ای در عراق نیستند. البته این افراد در اختتامیه کنگره در بیانیه پایانی خود را با نام دولت و ملت عراق، قدردان حکومت سعودی دانستند. این اقدام افراد گمنام حاضر در نشست عربستان تنها دایره واکنش‌ها و انتقادات مردم عراق و کارشناسان منطقه‌ای را علیه این افراد و ریاض گسترش داد. عربستان سعودی سعی داشت در آستانه دو رویداد مهم سیاسی و مذهبی [انتخابات و ماه محرم] فضای سیاسی عراق را به نفع خود تحت‌تأثیر قراردهد؛ که البته به‌پروژه «مرجع‌سازی» این کشور به‌دلیل مشکلات عدیدانه‌اش همانند گذشته و دفعات قبل یک تاکتیک شکست‌خورده باقی ماند.



یکی دیگر از واکنش‌های مهم به این کنگره به‌دکتر علی المؤمن، نظریه‌پرداز مشهور تشیع اختصاص یافت. وی ابتدا در مقاله‌ای به معرفی ماهیت و اهداف «اتحادیه جهان اسلام» به‌عنوان متولی برگزاری کنگره مراجع عراق پرداخت و نوشت: «این اتحادیه نهادی برای گسترش افکار وهابیت در جهان و مبارزه با آن چیزی است که وهابیون تحت‌عنوان باورهای کفرآلود، فاسد و منحرف منسوب به اسلام می‌نامند؛ جایی که تشیع، تصوف و معتزله از مثال‌های بارز آن محسوب می‌شوند.» وی ادامه می‌دهد: «بودجه سالانه اتحادیه جهان اسلام برای مبارزه جهانی با تشیع در سال جاری هجری ۸۵ میلیون دلار بوده است. مجموع کتاب‌ها، مقالات، مطالعات، مقالات، سخنرانی‌ها، سمینارها و فتواهایی که این نهاد برای تکثیر و مبارزه با شیعیان از سال ۱۹۷۹ تاکنون منتشر کرده است شامل بیش از ۳۰۰۰ اثر عجمی و دروغین می‌شود. علاوه‌بر موارد فوق، این اتحادیه بر شبکه‌ای جهانی معروف به نام «شبکه جهانی مبارزه با ترویج تفکر شیعی» نظارت دارد که شامل تقریباً ۱۵۰۰ سازمان، موسسه، مرکز و دفتر نمایندگی است که در پنج قاره جهان فعال هستند.»

دکتر علی المؤمن اضافه می‌کند: «یکی از برجسته‌ترین روش‌های این سازمان در مبارزه با تشیع، روش «نفوذ» است. هدف از آن این است که واقعیت‌های شیعی را از درون آن نابود کند. در این روش برخی فعالان شیعه را برای مبارزه با روند کلی تشیع جذب کرده و آنها را به‌عنوان «چهره‌های

مالزی میلیاردها دلار پول خرج کرد و عاجزانه از تمام دنیا خواست با شیعیان مقابله کنند. چرا کسی ریاض را به دخالت در امور داخلی کشورها متهم نمی‌کند؟! این اندیشمند مصری در جای دیگری و در پاسخ به مقایسه شدن نقش ایران در گفت‌وگوهای بین‌افغانستانی‌ها و مذاکرات بین‌گروه‌های افغانستانی در تهران، با این اقدام سعودی تأکید می‌کند: «اولا این یک میزبانی صلح‌آمیز از سوی ایران و بدون هیچ اکراه و اجباری از سوی اطراف افغانستانی بود. دوم اینکه کارویژه دیپلماسی بازداشتن طرف مقابل [هرچند طالبان و مرتکب جرم باشد] از جنایات بیشتر و کنترل قدرتش به‌وسیله قدرت دیگر باشد؛ استفاده از این اصل برای هر دولتی مجاز است. نکته سوم آنکه مذاکره سعودی با «مراجع» به نام دولت یک خطای راهبردی است؛ چراکه عراق دولت و حاکمیت خاص خود را دارد و همگان با هر نیتی موظفند به جایگاه آن احترام بگذارند. دولت نماینده کل مردم است، درحالی‌که مراجع هرکدام نمایندگان یک‌فرد مسلمان [جدای از شیعی یا سنی بودنش] هستند.» دکتر احمد راسم‌النفیس صحبت‌های خود را با ذکر این نکته به پایان برد که «مراجع عراقی، تنها نمایندگان مقلدان عراقی خود نیستند؛ بلکه می‌توانند نمایندگان اعتقادی-مذهبی ملل آفریقایی نیز باشند. جدای از این نکته که خیلی از مراجع ساکن عراق، اصالتاً عراقی نیستند؛ و این نقطه‌ضعف آنان نیست، بلکه گواهی بر نقش جهانی آنهاست.»

فراوانی در عراق شد. حتی کارشناسان سیاسی این کشور چنین سوالی را در رسانه‌ها مطرح کردند که هدف ریاض از چنین کاری، آن هم در آستانه انتخابات عراق چه بود؟ آیا چنین اقدامی، نتیجه‌ای جز اختلاف و عصبانیت عمومی را در پی داشت؟

بدیهی است که جامعه عراق به‌عنوان قربانی خشونت، تروریسم، سلفی‌گری و ارتجاع عربی-دیگر تحمل چنین سناریوهای شومی را ندارد و قویا در مقابل اهداف غیرانسانی آن می‌ایستد. ریاض در شرایطی که برای پایان دادن به جنگ یمن تحت‌فشار است و در سوی دیگر در بغداد چندین دور مذاکره با هیات ایرانی داشته و درحال حاضر نیز منتظر «نشست سران کشورهای همسایه و دوستان عراق» در بغداد است، چه دلیلی دارد که مهم‌ترین پرونده‌های امنیتی-سیاسی خود را رها کند و نگران وحدت اسلامی در عراق باشد!

در یک چشم‌انداز واقع‌بینانه و راهبردی، بسیاری از کارشناسان و ناظران تحولات منطقه به‌خوبی می‌توانند درک کنند که اقداماتی نظیر برگزاری این کنگره تا چه حد برای عربستان هزینه بر خواهد داشت. چنین اقدامی تنها موجب افزایش اتهامات علیه ریاض و پس از آن، باز شدن پرونده‌های اعتقادی-سیاسی گذشته رژیم سعودی می‌شود. همان‌طور که دکتر «احمد راسم‌النفیس»، نظریه‌پرداز بزرگ شیعه در مصر می‌گوید: «عربستان سعودی قبل از این، در

## گزارش

### زهرا قیاسی

دانشجوی دکتری تاریخ روابط بین‌الملل دانشکاه دولتی علوم انسانی روسیه

اتحاد جماهیر شوروی نخستین کشوری بود که عربستان سعودی را به رسمیت شناخت. از سال ۱۹۴۶ روابط شوروی با حاکمیت جدید مستقر در حجاز و نجد آغاز شد اما از سال ۱۹۲۸ تا ۱۹۹۱ به دلیل تعارض در مشی ایدئولوژیک دو کشور و حمایت‌های عربستان سعودی از سیاست‌های آمریکاعلیه شوروی، روابط دیپلماتیک بین دو کشور قطع شد. در همین راستا مقامات شوروی تصمیم گرفتند از سفر شهروندان خود به عربستان و شرکت در مراسم حج جلوگیری کنند اما هم‌زمان با تشدید اوضاع نظامی-سیاسی در منطقه خلیج فارس، سعود الفیصل، وزیر امور خارجه وقت عربستان در سپتامبر و نوامبر ۱۹۹۰ به مسکو سفر کرد و خواستار توافق روی عادی‌سازی کامل روابط دیپلماتیک و ازسرگیری فعالیت‌های دو کشور شد که در نتیجه آن توافقات، در ماه مه ۱۹۹۱ روابط دیپلماتیک دو کشور مجدداً آغاز شد. از نظر مقامات کرملین عربستان سعودی همواره یکی از متحدان اصلی واشنگتن در منطقه غرب آسیا محسوب می‌شود که از زمان اتحاد جماهیر شوروی تاکنون توانسته است در بزنگاه‌های حساس در راستای منافع آمریکا تهدیداتی جدی را برای روسیه به وجود آورد. این تهدیدات به‌ویژه در دو حوزه اصلی شامل منابع هیدروکربنی-انرژی و ایجاد «تهدیدات امنیتی» از طریق حمایت از گروه‌های افراط‌گرای اسلامی و اشاعه تفکرات سلفی به‌خصوص در قفقاز شمالی خطراتی را برای مسکوبه وجود آورده است. هزینه‌های تولید نفت خود را افزایش داد و قیمت نفت با افت قابل توجهی صادرکننده نفت جهان بسیار گران تمام می‌شود. کرملین به‌خوبی می‌داند که آمریکا با جهت‌دهی به سیاست‌های نفتی عربستان می‌تواند مشکلات اقتصادی عیدیه‌ای را برای روسیه به وجود آورد، به‌طور مثال در آخرین روزهای قبل از فروپاشی شوروی، عربستان سعودی تولید نفت خود را افزایش داد و قیمت نفت با افت قابل توجهی رویه‌رو شد و شوروی که در آن مقطع در شرایط اقتصادی نامناسبی قرار داشت با افت قیمت نفت و کاهش درآمدهای ارزی خود در شرایط وخیم‌تری قرار گرفت. بیش از دو دهه پس از فروپاشی، در سال ۲۰۱۴ نیز عربستان سعودی بار دیگر در جریان تنش‌های غرب با روسیه بر سر مسائل کریمه-اوکراین و بحران سوریه، این اقدام را تکرار کرد. با توجه به این نکته که ۶۰ درصد از درآمد ملی روسیه از راه فروش منابع نفتی حاصل می‌شود، سیاست‌های نرخ‌گذاری افزایش تولید نفت عربستان سعودی به‌عنوان بزرگ‌ترین درازنده مخازن نفتی جهان، می‌تواند یکی از مشکلات اصلی فدراسیون روسیه به‌شمار آید.

از سوی دیگر فدراسیون روسیه با وجود داشتن حدود ۳۰ میلیون مسلمان در درون کشور و حدود ۵۰ میلیون مسلمان در کشورهای پسا شوروی، خطر تفکرات سلفی،

بررسی نقش عربستان در روابط ایران و روسیه

## مسکو در میان قدرت‌های غرب آسیا

و محیط پیرامونی این کشور بود که باعث شد اتباع چینی و جمهوری‌های سابق شوروی در بین مبارزان و فرماندهان داعش در بحران سوریه حضور داشته باشند. اسمیرنوف، معاون اول فدراسیون روسیه در امنیت فدرال در سال ۲۰۱۵ اعلام کرد که حدود ۲۴۰۰ نفر از اتباع روسیه و ۳ هزار نفر از اتباع کشورهای آسیای مرکزی به داعش پیوسته و در خط مقدم مبارزه بر ضد حکومت سوریه حضور داشتند. مجموعه عوامل یادشده باعث شده است مقامات کرملین همواره تهدیدات بالقوه‌ای را از جانب عربستان سعودی احساس کنند اما با آغاز بهار عربی به‌ویژه بحران سوریه و قرار گرفتن روسیه در کنار رقیب اصلی منطقه‌ای عربستان یعنی جمهوری اسلامی ایران، روابط عربستان و روسیه وارد مرحله جدیدی شد. ایران روسیه به‌دلیل تهدیدات مشترک برخاسته از بحران سوریه، در جبهه مقابل غرب و متحدان منطقه‌ای آن قرار گرفتند که در این راستا عربستان سعودی در جهت متقاعد کردن روسیه به ازای عدم همراهی با ایران و نیروهای نیابتی آن به‌ویژه نیروهای مقاومت لبنان و همچنین ایجاد

حضور افراط‌گرایان اسلامی و گروه‌های تروریستی را تهدید می‌کند علیه امنیت ملی خود تلقی می‌کند که در این راستا نیز نفوذ عربستان، تجربه‌های تلخی را برای روس‌ها به ارمغان آورده است. عربستان سعودی همواره از گروه‌های سلفی در آسیای میانه و به‌خصوص جدایی‌طلبان قفقاز شمالی به‌ویژه در جنگ‌های چچن حمایت کرده است. در جریان اشغال افغانستان توسط نیروهای شوروی، فرماندهان آمریکایی مجری عملیات سایکلون، ارتباط تنگاتنگی با مقامات عربستان جهت دریافت مخارج سنگین عملیات و اشاعه تفکرات وهابی سعودی‌ها داشتند که اجرای مجدد چنین سناریویی بین ریاض و واشنگتن در بحران سوریه نیز قابل مشاهده بود.

خطر وجود گرایش‌های سلفی در روسیه به‌طور مستقیم امنیت داخلی این کشور را مورد تهدید قرار داده است. در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۷ حملات تروریستی متعددی در شهرهای مختلف روسیه به‌ویژه مسکو و سن پترزبورگ رخ داد که موجب کشته شدن تعدادی از شهروندان روسیه شد. همچنین تحت‌تأثیر چنین تفکراتی در روسیه



روسیه هرگز حاضر نشد در بحران سوریه موضع خود را که همراه با ایران بود، تغییر دهد، به‌ویژه آنکه در جریان سقوط رژیم معمر قذافی در لیبی، عربستان از سیاست‌های آمریکا حمایت کرده و به همین دلیل روسیه به‌راحتی حکومت قذافی به‌عنوان یکی از متحدان قابل اتکا خود را در شمال آفریقا از دست داد. در بحران یمن اما روسیه تلاش کرد تا برخلاف منافع و خط‌قرمزهای عربستان اقدامی نکند و بیشتر نقشی میانجی‌گرایانه داشته باشد. در یک دهه اخیر روسیه به رهبری ولادیمیر پوتین تلاش کرده است سیاست چندجانبه‌گرایی را به‌خصوص در غرب آسیا در پیش گرفته و تا جای ممکن به دور از تنش‌های جدی با تمامی طرفین وارد گفت‌وگو شود. به همین دلیل با وجود آنکه کرملین به‌خوبی می‌داند که ریاض به نیابت از واشنگتن نقش خود را در منطقه ایفا می‌کند، اما به همان موازات در راستای مناسبات خود با جهان عرب از جایگاه مهم عربستان سعودی آگاهی دارد و تا جای ممکن تلاش می‌کند در اختلافات شیعه و سنی گرفتار نشود و از ظرفیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت ریاض به نفع خود استفاده کند. در همین راستا از سال ۲۰۱۷ کام‌های موثری در جهت توسعه همکاری‌های اقتصادی بین مسکو و ریاض برداشته شد که پیش‌بینی می‌شود با امضای نقشه راه توسعه همکاری‌های تجاری و اقتصادی عربستان و روسیه در سال پیش‌رو مسکو سعودی مبادلات تجاری در کشور را شاهد باشیم.